

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۶۰۶۹

عربی. زبان قرآن (۱)

پایه دهم ۱۴۰۲-۱۴۰۳

رشته‌های ریاضی و فیزیک ، علوم تجربی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

کتاب از:

منصوره خوشخو

سال تحصیلی ۱۴۰۲ - ۱۴۰۳

کانال اَجِبْ الْعَرَبِيَّة

[@OhebboArabic](https://www.instagram.com/OhebboArabic)



الدَّرْسُ الثَّلَاثُ بَرَكْرَد

﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ...﴾ الروم: ۴۸

خداوند همان کسی است که بادها را می فرستد و [بادها] ابری را برمی انگیزند و [خدا] آن [ابر] را در آسمان می گستراند.

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ (درس سوم)

مَطَرُ السَّمَكِ (باران ماهی)

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! آیا باور می کنی که در روزی از روزها ماهی‌هایی را ببینی که از آسمان می‌ریزند (پی در پی می‌افتند)؟!!

إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَ الثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ بارش باران و برف از آسمان چیزی طبیعی است.

وَلَكِنْ أَيْمَنْ أَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَتَنَّنُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فَلَئِمًا خَيَالِيًّا؟! ولی آیا ممکن است که باران ماهی ببینیم؟! آیا گمان می کنی که آن باران حقیقت باشد (است) و فیلمی خیالی نیست؟!!

حَسَنًا فَانظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ. بسیار خوب؛ پس به این تصویرها نگاه کن تا باور کنی.



أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ • سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ مُطِرٌ أَسْمَاكَ.

به دقت نگاه کن؛ افتادن ماهی‌ها را از آسمان می‌بینی؛ گویی از آسمان ماهی‌ها می‌بارند. • تَنْظُرٌ = تَشَاهِدٌ = تَرَى (می‌بینی)

يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكِ».

مردم این پدیده طبیعی را «باران ماهی» می‌نامند.

حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا.

این پدیده مردم را سال‌های طولانی حیران کرده است و پاسخی برایش نیافته‌اند.

يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى.

باران ماهی سالانه (هر سال) در جمهوری هندوراس در امریکای مرکزی رخ می‌دهد.



تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أَحْيَانًا. فَيُشَاهِدُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ • عَظِيمَةً وَ رَعْدًا وَ بَرْقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ. • أسود به معنای سیاه، مونثش می‌شود: سوداء

این پدیده احیاناً (گاهی) دوبار در سال رخ می‌دهد. و مردم تکه ابر سیاه بزرگی ورعد و برق و بادهایی قوی و بارانی شدید را به مدت دو ساعت یا بیشتر ملاحظه می‌کنند.

ثُمَّ تَصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُ • هَا النَّاسُ لَطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا. • أَخَذَ: برداشت، برد، گرفت، شروع کرد سپس زمین پوشیده از ماهی‌ها می‌شود، و مردم برای پختن و خوردنشان آنها را می‌برند. (برمی‌دارند)



حاوَلُ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ؛
دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده عجیب تلاش کرده‌اند.

فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِمَزَارَةِ الْمَكَانِ وَ التَّعْرِيفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ،
و برای دیدن مکان و شناختن (آگاهی یافتن از) ماهی‌هایی که بعد از این باران‌های شدید بر زمین می‌افتند گروهی را فرستادند.

فَوَجَدُوا أَنَّ أَكْثَرَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكَ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ
و دریافتند که بیشتر ماهی‌های پخش شده روی زمین از یک گونه هستند ولی شگفتی کار (ولی شگفت) این است که ماهی‌ها متعلق به آب‌های مجاور نیستند.

بَلْ بِمِيَاهِ الْمَحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مِائَتِي كِيلُومِترٍ عَنِ مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ.
بلکه متعلق به آب‌های اقیانوس اطلس هستند که به مسافت دویست کیلومتر از محل افتادن ماهی‌ها دور هستند.

ما هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟ دلیلی تشکیل این پدیده چیست؟

يُحَدِّثُ إِغْصَارًا شَدِيدًا فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَ يَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ.
گردباد شدیدی رخ می‌دهد و ماهی‌ها را با قدرت به آسمان می‌کشد و به جای دوری می‌برد و هنگامی که سرعتش را از دست می‌دهد [ماهی‌ها] بر زمین می‌افتند.

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهِنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانِ مَطَرِ السَّمَكِ».
مردم در هندوراس هر سال این روز را جشن می‌گیرند و آن را «جشنواره ی باران ماهی» می‌نامند.

☆ المصم ☆ برگرد

صَدَّقَ: باور کرد حَتَّى تُصَدِّقَ: تا باور کنی ظَاهِرَةٌ: پدیده «جمع: ظواهر» فَلِمٌ: فیلم «جمع: أفلام» الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِيُّ: اقیانوس اطلس مَفْرُوشٌ: پوشیده، فرش شده مِهْرَجَانٌ: جشنواره نُزُولٌ: پایین آمدن، بارش	تَسَاقَطَ: پی در پی افتاد التَّعَرُّفُ عَلَيَّ: شناختن تَلْجٌ: برف، یخ «جمع: تُلُوج» حَسَنًا: بسیار خوب حَيْرٌ: حیران کرد سَحَبٌ: کشید سَمِيٌّ: نامید سَوْدَاءٌ: سیاه (مؤنث أسود) سَنَوِيٌّ: سالانه	أَثَارٌ: برانگیخت إِحْتِفَالٌ: جشن گرفت أَصْبَحَ: شد إِعْصَارٌ: گردباد، جمع: أعاصير أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی أَمْطَرَ: باران بارید بَسَطَ: گستراند بَعْدَ: دور شد تَرَى: می بینی، ببینی
--	---	---

📖 حول النص برگرد

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. درست و غلط را طبق متن درس مشخص کنید.

۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهُندُوراس بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَيُسَمُّوْنَهُ «مِهْرَجَانِ الْبَحْرِ». X
مردم هندوراس این روز را ماهانه جشن می‌گیرند و آن را جشن دریا می‌نامند.

۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ. ✓
وقتی گردباد سرعتش را از دست می‌دهد، ماهی‌ها روی زمین می‌افتند.

۳- سَمِيَّ الْعُلَمَاءِ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ. X
دانشمندان از شناخت راز آن پدیده عجیب نا امید شدند.

۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ. ✓
بارش باران و برف از آسمان، یک امر طبیعی است.

۵- تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ. X
این پدیده ده بار در سال اتفاق می‌افتد.

۱- يَتَسَّ (نا امید شد): فعل ماضی است و «ی» از حروف اصلی فعل است.

مضارع آن: يَتَأَسُّ و مصدرش: يَأْسَأُ می‌شود.

۲- هرگاه اسمی در جمله «معدود، صفت، خبر بدون صفت و مضاف الیه، حال» واقع شود، ما در زبان فارسی به صورت «مفرد» معنا می‌کنیم.

باز یاد بگیرید

اشکال الأفعال (۱)

فعل‌ها در زبان عربی بر اساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» (مفرد مذکر غایب) به دو گروه تقسیم می‌شود.

گروه اول: فعل‌هایی که فقط از حروف اصلی تشکیل می‌شود.

۲

۳

گروه دوم: فعل‌هایی که علاوه بر حروف اصلی، حروف زائد دارد.

بیشتر فعل‌های «ماضی سوم شخص مفرد» که در متوسطه اول با آن آشنا شدید از سه حرف اصلی تشکیل می‌شد؛ مانند خَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

«ماضی سوم شخص مفرد» برخی فعل‌ها نیز بیشتر از سه حرف است؛ مانند اسْتَخْرَجَ، اعْتَرَفَ، انْقَطَعَ و دَشَكَرَ؛ در کتاب‌های عربی متوسطه اول تا حدودی با چنین فعل‌هایی آشنا شده بودید.

اکنون با فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است، بیشتر آشنا شوید.

باب	الماضي	المضارع	الأمر	المصدر
اسْتَفْعَال	اسْتَفْعَلَّ	يَسْتَفْعِلُّ	اسْتَفْعِلْ	اسْتِفْعَال
اِفْتِعَال	اِفْتَعَلَ	يُفْتَعِلُّ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَال
اِنْفِعَال	اِنْفَعَلَ	يُنْفَعِلُّ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعَال
تَفَعُّل	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل

باب	الماضي	المضارع	الأمر	المصدر
۱ اسْتَفْعَال	اسْتَرْجَعُ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	اسْتَرْجِعْ: پس بگیر	اسْتِرْجَاع: پس گرفتن
۲ اِفْتِعَال	اِسْتَعَلَ: کار کرد	يَسْتَعِلُّ: کار می‌کند	اِسْتَعِلْ: کار کن	اِسْتِعَال: کار کردن
۳ اِنْفِعَال	اِنْفَتَحَ: باز شد	يُنْفَتِحُ: باز می‌شود	اِنْفَتِحْ: باز شو	اِنْفِتَاح: باز شدن
۴ تَفَعُّل	تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش آموخته می‌شود	تَخَرَّجْ: دانش آموخته شو	تَخَرُّج: دانش آموخته شدن

۲ تدریس مبحث ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید از اهداف آموزشی کتاب درسی نیست؛ لذا در امتحانات و کنکور سؤالی از آن طرح نمی‌شود.
۳ دانش آموز باید وزن فعل‌ها و مصدرهای این جدول را حفظ باشد و توانایی تشخیص آنها را داشته باشد.

♦ با حفظ جدول باب‌های مزید می‌توانیم به سوالات به راحتی پاسخ دهیم.

مصدر اِسْتَخْرَجَ: اِخْرَاجٌ اِسْتَخْرَاجٌ ✓ خروج
 ماضی اِنْقِطَاعٌ: اِنْقَطَعَ ✓ قَطَعَ قَطَّعَ
 امر تَسْمِعْ: اِسْمَعْ اِسْمِعْ ✓
 وزن اِنْتاج- اِنْفِتَاح، اِنْبِساط: اِفْعَال - اِفْتِعَال - اِنْفِعَال

♦ دسته بندی فعل‌های متن درس سوم :

• فقط سه حرف اصلی (ثلاثی مجرد)		• بیش از سه حرف اصلی (ثلاثی مزید)	
تَرَى (رَأَى)	وَجَدُوا (وَجَدَ)	تُصَبِّحُ (أَصْبَحَ)	تُصَدِّقُ (صَدَقَ)
أَنْظُرُوا (نَظَرَ)	تَحَدَّثُ (حَدَّثَ)	حَاوَلَ	يُمْكِنُ (أَمَكَّنَ)
تَنْظُنُ (ظَنَّ)	يَأْخُذُ (أَخَذَ)	أَرْسَلُوا (أَرْسَلَ)	تَتَسَاقَطُ (تَسَاقَطَ)
يَكُونُ (كَانَ)	يَبْعُدُ (بَعَدَ)	يَحْتَفِلُ (احْتَفَلَ)	تُشَاهِدُ (شَاهَدَ)
لَيْسَ	يَسْحَبُ (سَحَبَ)	يُسَمِّنُ (سَمَّى)	حَيْرَتَ (حَيْرَ)
أَنْظُرُ (نَظَرَ)	يَفْقِدُ (فَقَدَ)		

که اِخْتَبَرِ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

ماضی	اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	مضارع	يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهد
امر	اِسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه	مصدر	اِسْتِغْفَارٌ: آمرزش خواستن
ماضی	اِعْتَذَرَ: پوزش خواست	مضارع	يَعْتَذِرُ: پوزش می‌خواهد
امر	اِعْتَذِرْ: پوزش بخواه	مصدر	اِعْتِذَارٌ: پوزش خواستن
ماضی	اِنْقَطَعَ: بریده شد	مضارع	يَنْقَطِعُ: بریده می‌شود
امر	اِنْقَطِعْ: بریده شو	مصدر	اِنْقِطَاعٌ: بُریده شدن
ماضی	تَكَلَّمَ: سخن گفت	مضارع	يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید
امر	تَكَلَّمْ: سخن بگو	مصدر	تَكَلُّمٌ: سخن گفتن

☀ برای مطالعه در خانه ☀

آنچه در یادگیری فعل ها مهم است شناسه هایی هستند که در سه سال گذشته با آنها آشنا شده اید.

یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

تَعَلَّمْتُ	اِسْتَخْرَجْتُ	اِكْتَسَبْتُ	اِنْسَحَبْتُ	«تُ» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم)؛ مانند:
تَعَلَّمْتَ	اِسْتَخْرَجْتَ	اِكْتَسَبْتَ	اِنْسَحَبْتَ	«تَ» در «فَعَلْتَ» (انجام دادی)؛ مانند:
تَعَلَّمْ	اِسْتَخْرَجْ	اِكْتَسِبْ	اِنْسَحَبْ	«_» «فَعَلْ» (انجام داد)؛ مانند:
تَعَلَّمْنَا	اِسْتَخْرَجْنَا	اِكْتَسَبْنَا	اِنْسَحَبْنَا	«نَا» در «فَعَلْنَا» (انجام دادیم)؛ مانند:
تَعَلَّمْتُمْ	اِسْتَخْرَجْتُمْ	اِكْتَسَبْتُمْ	اِنْسَحَبْتُمْ	«تُمْ» در «فَعَلْتُمْ» (انجام دادید)؛ مانند:
تَعَلَّمُوا	اِسْتَخْرَجُوا	اِكْتَسَبُوا	اِنْسَحَبُوا	«وا» در «فَعَلُوا» (انجام دادند)؛ مانند:

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

اِسْتَعْلَمَ: کار کرد	اِسْتَعْلَمُوا: کار کردند.....
تَعَلَّمْتُ: یاد گرفت	تَعَلَّمْتُمْ: یاد گرفتید.....
اِنْقَطَعَ: بریده شد	اِنْقَطَعَتْ: بریده شد.....
اِسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست	اِسْتَغْفَرْنَا: آمرزش خواستیم.

یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

اَتَعَلَّمُ	اِنْسَحِبُ	اِكْتَسِبُ	اِسْتَخْرِجُ	«أُ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم)؛ مانند:
تَتَعَلَّمُ	تَنْسَحِبُ	تَكْتَسِبُ	تَسْتَخْرِجُ	«تَ» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی)؛ مانند:
يَتَعَلَّمُ	يَنْسَحِبُ	يَكْتَسِبُ	يَسْتَخْرِجُ	«يَ» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهد)؛ مانند:
نَتَعَلَّمُ	نَنْسَحِبُ	نَكْتَسِبُ	نَسْتَخْرِجُ	«نَ» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم)؛ مانند:
تَتَعَلَّمُونَ	تَنْسَحِبُونَ	تَكْتَسِبُونَ	تَسْتَخْرِجُونَ	«تَ» + «ریشه» + «وَنَ» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند:
يَتَعَلَّمُونَ	يَنْسَحِبُونَ	يَكْتَسِبُونَ	يَسْتَخْرِجُونَ	«يَ» + «ریشه» + «وَنَ» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند:

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

یَبْتَسِمُونَ: لبخند می‌زنند.....	یَبْتَسِمُ: لبخند می‌زند
تَتَكَلَّمُ: سخن می‌گویم.....	يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید
تَنْسَجِبُونَ: عقب نشینی می‌کنید.....	يَنْسَجِبُ: عقب نشینی می‌کند
يَتَعَلَّمُ: یاد می‌گیرم.....	يَتَعَلَّمُ: یاد می‌گیرد

فِعْلُ الْأَمْرِ

در پایه نهم با فعل امر در سه وزن «افعل»، «افعل» و «افعل» آشنا شدید؛ مثال:

تَنْزِلُ: پایین می‌آید	تَنْزِلُ: پایین می‌آید	تَسْمَعُ: می‌شنود	تَسْمَعُ: می‌شنود
أَعْرِفُ: بشناس	أَعْرِفُ: می‌شناسی	أَلْعَبُ: بازی می‌کنی	أَلْعَبُ: بازی کن
أَكْتُبُ: بنویس	أَكْتُبُ: می‌نویسی	أَذْهَبُ: برو	أَذْهَبُ: برو
أَخْرُجُ: خارج شو	أَخْرُجُ: خارج می‌شوی	أَعْمَلُ: کار کن	أَعْمَلُ: کار می‌کنی
أَنْظُرُ: نگاه کن	أَنْظُرُ: نگاه می‌کنی	أَجْلِسُ: بنشین	أَجْلِسُ: می‌نشینی

اکنون با شکل های جدیدی از فعل امر آشنا شوید.

أَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهی	أَسْتَغْفِرُ: آمرزش بخواه
أَبْتَعِدُ: دور می‌شوی	أَبْتَعِدُ: دور شو
تَنْسَجِبُ: عقب نشینی می‌کنی	أَنْسَجِبُ: عقب نشینی کن
تَتَعَلَّمُ: یاد می‌گیری	تَعَلَّمُ: یاد بگیر

آنچه در یادگیری فعل ها مهم است، نشانه هایی هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده اید.

امر ابْتَعِدُوا عَنِ الْكَسَلِ؛ اِسْتَخْدِمُوا قُوَّتَكُمْ؛ تَعَلَّمُوا دُرُوسَكُمْ؛ لا تَنْسَجِبُوا عَنِ آدَاءِ وَاجِبِكُمْ. فعل نهی
از تنبلی دور شوید؛ نیرویتان را به کار ببرید؛ درسهایتان را یاد بگیرید؛ از انجام تکلیفتان عقب نشینی نکنید.

یادآوری فعل امر که در پایه نهم خواندید:

«اِ» در	«اِفْعَلْ»	اِسْتَفْعَلْ	اِفْتَعَلْ	اِنْفَعَلْ	تَفَعَّلْ» مانند:
	اِذْهَبْ	اِسْتَخْرِجْ	اِكْتَسِبْ	اِنْسَحِبْ	تَعَلَّمْ
«ی» در	«اِفْعَلِی»	اِسْتَفْعَلِی	اِفْتَعَلِی	اِنْفَعَلِی	تَفَعَّلِی» مانند:
	اِذْهَبِی	اِسْتَخْرِجِی	اِكْتَسِبِی	اِنْسَحِبِی	تَعَلَّمِی
«و» در	«اِفْعَلُوا»	اِسْتَفْعَلُوا	اِفْتَعَلُوا	اِنْفَعَلُوا	تَفَعَّلُوا» مانند:
	اِذْهَبُوا	اِسْتَخْرِجُوا	اِكْتَسَبُوا	اِنْسَحَبُوا	تَعَلَّمُوا
«ن» در	«اِفْعَلْنَ»	اِسْتَفْعَلْنَ	اِفْتَعَلْنَ	اِنْفَعَلْنَ	تَفَعَّلْنَ» مانند:
	اِذْهَبْنَ	اِسْتَخْرِجْنَ	اِكْتَسَبْنَ	اِنْسَحَبْنَ	تَعَلَّمْنَ
«ا» در	«اِفْعَلَا»	اِسْتَفْعَلَا	اِفْتَعَلَا	اِنْفَعَلَا	تَفَعَّلَا» مانند:
	اِذْهَبَا	اِسْتَخْرِجَا	اِكْتَسَبَا	اِنْسَحَبَا	تَعَلَّمَا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تَنْتَظِرُونَ: منتظر می شوید	اِنْتَظِرُوا: منتظر شوید
تَتَعَجَّبِينَ: تعجب می کنی	تَعَجَّبِی: تعجب کن
تَسْتَخْرِجْنَ: خارج می کنید	اِسْتَخْرِجْنَ: خارج کنید

□ در گروه‌های دو نفره، شبیه‌گفت‌وگویی زیر را اجرا کنید.

جواز برگرد

♣️ **فِي قِسْمِ الْجَوْلِيَا فِي الْمَطَارِ**

در بخش گذرنامه‌ها در فرودگاه

♣️ شُرْطِي إِدَارَةِ الْجَوَاذَاتِ (پلیس اداره گذرنامه)	♣️ الْمَسَافِرُ الْإِيرَانِيُّ . (مسافر ایرانی)
♣️ أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ . مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟ خوش آمدید. شما از کدام کشور هستید؟	♣️ نَحْنُ مِنْ إِيْرَانٍ وَ مِنْ مَدِينَةِ زَابُلِ . ما از ایران و از شهر زابل هستیم.
♣️ مَرْحَبًا بِكُمْ ٢. شَرَفْتُمُونَا ٣. خوش آمدید. ما را مشرف فرمودید. (به ما افتخار دادید)	أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي . ازت متشکرم آقا
ماشاء الله! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا! ماشاء الله! عربی خوب صحبت می کنی!	أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ. الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ. این زبان را دوست دارم. عربی زیباست.
كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِ ٤ ؟ تعداد همراهان چند نفرند؟	♣️ سَتَّةُ : وَالِدَايَ وَأُخْتَايَ وَ أَخِي ٥ . شش نفر : پدر و مادرم و دو خواهرم و دو برادرم.
♣️ أَهْلًا بِالضُّيُوفِ . هَلْ عِنْدَكُمْ بِطَاقًا ٦ الدُّخُولِ؟ مهمانان خوش آمدید. آیا بلیت‌های ورود دارید؟	♣️ نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِطَاقَتَهُ بِيَدِهِ . بله ؛ هریک از ما بلیتش در دستش است.
♣️ الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْإِسَارِ لِلتَّقَاتِ ٧ . مردان در سمت راست و زنان در سمت چپ برای بازرسی.	عَلَى عَيْنِي. به روی چشم
رَجَاءٌ ؛ إِجْعَلُوا جَوَاذَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ . لطفاً، گذرنامه‌هایتان را در دستانتان قرار دهید.	♣️ نَحْنُ جَاهِزُونَ ٨ . ما آماده‌ایم.

۱- جواز: گذرنامه ۲- مَرْحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید ۳- شَرَفْتُمْ: مشرف فرمودید *شَرَفْتُمُونَا: شَرَفْتُمْ + (واو اشباع) + نا
۴- مُرَافِقٍ: همراه ۵- وَالِدَايَ (والدان+ی): پدر و مادرم، أُخْتَايَ (أُخْتَانِ+ی): دو خواهرم، أَخَوَايَ (أَخْوَانِ+ی): دو برادرم
۶- بِطَاقَةٍ: بلیت، ج: بِطَاقٍ ۷- تَقَاتٍ: بازرسی ۸- جَاهِزُونَ: آماده

کام التمارین برگرد

● التمرین الأول: عین الجملة الصحيحة و غیر الصحيحة حسب الحقیقة و الواقع. ✓ x

- ۱- المهرجان احتفالاً مناسبتة جميلة، كالمهرجان الأزهار و مهرجان الأفلام.
جشنواره، جشنی به مناسبتی زیباست، مثل جشنواره گلها و جشنواره فیلمها (✓)
- ۲- الثلج نوعٌ من أنواع نزول الماء من السماء^{که} ينزل على الجبال فقط.
برف، يك نوع از انواع بارش آب از آسمان است که فقط روی کوهها پایین می آید (می بارد). (x)
- ۳- يحتفل الإيرانيون بالنوروز أول يوم من الأيام السنة الشمسية.
ایرانیها اولین روز از روزهای سال شمسی را جشن می گیرند. (✓)
- ۴- تعيش الأسماك في النهر و البحر و لها أنواع مختلفة.
ماهیها در رودخانه و دریا زندگی می کنند و انواع مختلفی دارند. (✓)
- ۵- الأعصار ریح شديدة لاتنتقل^{که} من مكان إلى مكان آخر. • لاتنتقل: جابه جا نمی شود
گردباد بادشدیدی است که از جایی به جایی دیگر منتقل نمی شود. (x)

● التمرین الثاني: عین الجواب الصحيح.

- ۱- الماضي من « يقطع »: ﴿ انقطع: قطع شد / قطع کرد / تقطع: بریده بریده کرد
- ۲- المضارع من « استرجع »: ﴿ يرجع: مراجعه می کند / يرجع: برمی گردد / يسترجع: پس می گیرد
- ۳- المصدر من « تعلم »: ﴿ استعلم: کسب اطلاع کردن / تعلم: یاد گرفتن / تعلم: یاد دادن
- ۴- الأمر من « تسمع »: ﴿ استمع: گوش کن / تسمع: گوش بده / اسمع: بشنو
- ۵- النهي من « تحتفل »: ﴿ ما احتفل: جشن نگرفت / لاتحتفل: جشن نمی گیری یا جشن نمی گیرد / لاتحتفل: جشن نگیرد
- ۶- المستقبل من « يتسّم »: ﴿ سيبتسم: لبخند خواهد زد / ابتسام: لبخند زدن / ابتسم: لبخند بزن

● التمرین الثالث: ترجم الآيات و الحديثين، ثم عین نوع الأفعال. (إذا كان موجوداً)

- ۱- ﴿ فاستغفروا لذنوبهم و من يغفر الذنوب إلا الله ﴾ ماضی مضارع آل عمران: ۱۳۵
برای گناهانشان طلب آمرزش کردند و چه کسی جز خداوند گناهان را می آمرزد؟
- ۲- ﴿ فقل إنما الغيب لله فانتظروا إني معكم من المنتظرين ﴾ امر امر یونس: ۲۰
پس بگو غیب و نهان فقط از آن خداوند است ، منتظر باشید که من [هم] با شما از منتظرانم.

۳- ﴿ وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ ... ﴾ انْتَبِهُوا: ۱۰

و بر آنچه می‌گویند، صبر کن و از آن‌ها دوری کن.

۴- النَّاسُ نِيَامٌ ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا .^۲ رسول الله ﷺ

مردم خوابند، پس هرگاه بمیرند از خواب بیدار می‌شوند.

۵- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ .^۷ رسول الله ﷺ

براستی شما حتی درباره قطعه‌های زمین و چارپایان مسئولید. (مورد سؤال واقع می‌شوید)

● التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ضَعُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

- | | |
|-----------------|--|
| ۱- الْمَسْجِدُ | ⑥ يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ. |
| ۲- الْمِشْمِشُ | ③ عَيْنُ الْمَاءِ وَ نَهْرٌ كَثِيرُ الْمَاءِ. |
| ۳- الْيَنْبُوعُ | ② فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً أَيْضًا. |
| ۴- الْمَوْتُ | ① بَيْتٌ مُقَدَّسٌ لِإِدَاءِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ. |
| ۵- اللَّيْلُ | ⑤ أَلْوَقْتُ الْمُمْتَدُّ مِنْ مَغْرِبِ الشَّمْسِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ. |
| ۶- الْأَصْفُ | |

۱- الْمَسْجِدُ: بَيْتٌ مُقَدَّسٌ لِإِدَاءِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ.

مسجد ﴿﴾ در نزد مسلمانان خانه مقدسی برای برپایی نماز است.

۲- الْمِشْمِشُ: فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً أَيْضًا.

زردآلو ﴿﴾ میوه ای است که مردم آن را به صورت خشک شده نیز می‌خورند.

۳- الْيَنْبُوعُ: عَيْنُ الْمَاءِ وَ نَهْرٌ كَثِيرُ الْمَاءِ.

چشمه ﴿﴾ چشمه آب و جوی پرآب (با آب زیاد) است.

۴- الْمَوْتُ: ﴿﴾ اضافی است

۵- اللَّيْلُ: أَلْوَقْتُ الْمُمْتَدُّ مِنْ مَغْرِبِ الشَّمْسِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ.

شب ﴿﴾ زمان مستمر از غروب خورشید تا طلوع سپیده دم

۶- الْأَصْفُ: يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ.

کلاس ﴿﴾ دانش‌آموزان در آن درس می‌خوانند.

^۲ نِيَامٌ: خفتگان ← (مفرد: نائم)

^۲ انْتَبَهُوا: بیدار شدند (بیدار شوند) ← فعل ماضٍ، جمع مذکر غائب، من باب افتعال بزبانه حرفین / انْتَبَرُوا: فعل أمر، جمع مذکر مخاطب، من باب افتعال بزبانه حرفین

^۲ بِقَاعٍ: قطعه‌های زمین (مفرد: بُقْعَةٌ)

^۲ بِهَائِمٍ: چارپایان ← (مفرد: بَهِيمَةٌ)

● التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمْتَرَادِفَةِ وَالْمْتَضَادَّةِ. = ≠

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةَ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / مِهْرَجَانَ / نُزُولَ

- أَنْزَلَ ≠ رَفَعَ (پایین آورد ≠ بالا برد)

- أَصْبَحَ = صَارَ (شد)

- حَفَلَةَ = مِهْرَجَانَ (جشن، جشنواره)

- صُعُودَ ≠ نُزُولَ (بالا رفتن ≠ پایین آمدن)

● التَّمْرِينُ السَّادِسُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا.

۱- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَدُنْبِكَ﴾ غافره، هه
 پس صبر کن همانا وعده خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه.

۲- إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَسَوْفَ كُنَّا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ.
 اگر خدا بخوهد بعد از دو سال همه ما از مدرسه دانش آموخته (فارغ التحصیل) خواهیم شد.

۳- إلهي قَدْ رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ وَ أَنْتَ رَجَائِي.
 خدای من امیدم از خلق (مردم) قطع شده است و تو امیدم هستی.

۴- كَانَ صَدِيقِي وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ.
 دوستم انتظار پدرش را می کشید تا به خانه برگردد.

۵- أَنَا وَ زَمِيلِي رَسَائِلَ عَبْرَةِ الْإِنْتَرْنِتِ.
 من و همکلاسیم نامه هایی را از راه اینترنت دریافت کردیم.

مفرد = متکلم وحده
 ○ اسْتَعْفَرَ

منفی و جمع = متکلم مع الغير
 ● اسْتَلَمْنَا

بیشتر بدانیم:

- ۱- اسْتَعْفَرَ وَ اسْتَرْجَعَ: فعل امر، مفرد مذکر مخاطب (معادل فارسی: دوم شخص مفرد)، علی وزن اسْتَفْعَلَ من باب استفعال
- ۲- سَوْفَ نَتَخَرَّجُ: فعل مستقبل (زیر گروه فعل مضارع)، متکلم مع الغير (معادل فارسی: اول شخص جمع)، من وزن تَفَعَّلَ يَتَفَعَّلُ من باب تَفَعَّلَ بزيادة حرفين
- ۳- انْقَطَعْتُ: فعل ماضی، متکلم وحده (معادل فارسی: اول شخص مفرد)، من وزن انْفَعَلَ من باب انْفَعَلَ بزيادة حرفين
- ۴- يَنْتَظِرُ: فعل مضارع، مفرد مذکر غایب (معادل فارسی: سوم شخص مفرد)، من وزن يَفْتَعِلُ من باب اِفْتَعَلَ بزيادة حرفين
- ۵- اسْتَلَمْنَا: فعل ماضی، متکلم مع الغير (معادل فارسی: اول شخص جمع)، من وزن اِفْتَعَلَ من باب اِفْتَعَلَ بزيادة حرفين

^{۲۹} می توان مصادر را در صورت نیاز، به صورت فعل معنا کرد. / کان + فعل مضارع = معادل ماضی استمراری مانند: کان ينتظر: انتظار می کشید
^۳ عَبْرَةُ: از راه

انوار القرآن برگرد

إِنْتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۱- ﴿وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبِئْسُ مَنْ رَوْحَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ﴾ يوسف: ۸۷
 و از رحمت خدا ناامید (نشوید / نشدند)؛ زیرا جز مردم کافر کسی از رحمت خدا ناامید (نشده است / نمی شود).

۲- ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ النحل: ۱۲۵
 با دانش و (فرمان / اندرز) نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به [شیوه‌ای] که (خوب / بهتر) است گفت‌وگو کن.

۳- ﴿فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي﴾ البقرة: ۱۵۲
 پس (ما را / مرا) یاد کنید؛ تا شما را یاد کنم و (از من سپاس گزاری کنید / شکرگزاری کنید).

۴- ﴿لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾
 خدا به کسی جز به اندازه (توانش / درخواستش) تکلیف نمی‌دهد؛

۵- ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾ البقرة: ۲۸۶
 هرکس آنچه را که [از خوبی‌ها] کسب کرده، به (سودش / زیانش) است، و آنچه را [نیز که از بدی‌ها] کسب کرده، به (سودش / زیانش) است،

البحث العلمی برگرد

إِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ قُرْآنِيَّةٍ قَصِيرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرْجِمْهَا إِلَى الْفَارِسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ- فَارِسِيٍّ.

